

5221

890

1

۲۷۴

۱۵

بی

www.ketab.ir

سرشناسه: ژیده، آندره.  
عنوان و نام پدیدآور: بازگشت از شوروی / مترجم جلال آل احمد.  
مشخصات نشر: قم: نظاره، ۱۳۹۸.  
مشخصات ظاهری: ۲۶۴ ص.  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: کتاب حاضر توسط ناشران متفاوت در سالهای مختلف منتشر شده است.  
موضوع: داستان‌های کوتاه — قرن ۱۴  
Short stories, -- 20th century: موضوع  
نام بندی کنگره: ۲۰۷۳DSR ۴/و/۱۳۹۸  
رده بندی دیویی: ۱۲۵۵/۹۵۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۸۸۴۴۶



# بازگشت از شوروی

به ضمیمه‌ی تنفیح بازگشت از شوروی

اثری از: آندره ژید

مترجم: جلال آل احمد

www.ketob.ir

عبداللہ



کتابخانه ملی و اسناد ایران

## بازگشت از شوروی

نویسنده: آندره ژید

مترجم: جلال آل احمد

ناشر: نظاره

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

قطع: تعداد صفحات: ۲۶۴ صفحه

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپخانه: گلها

صفحات: ۳

امور گرافیکی: آتلیه گرافیک، ثلث

مدیر هنری: صادق اخلاسی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۳-۲۱-۲

تمام حقوق محفوظ است و هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، نشر الکترونیکی، فیلم، صدا و... نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

@SOLS\_BOOK

@SOLS\_BOOK

۰۹۳۷۲۲۲۲۵۴۵

۰۹۳۷۲۲۲۳۵۶۹



مرکز پخش و نشر کتاب ثلث:

دفتر مرکزی: قم، بلوار شهید خداکرم کوچه ۳، پلاک ۱۴

فروشگاه قم: خیابان معلم، مجتمع ناشران طبقه همکف، پلاک ۲۰

۰۲۵۳۶۱۰۹



## فهرست مطالب

|          |                                                              |
|----------|--------------------------------------------------------------|
| ۷.....   | درآمدی «ژید» و ترجمه‌ی حاضر.....                             |
| ۱۹.....  | پیش درآمد.....                                               |
| ۹۲.....  | ضمائم.....                                                   |
|          | متن نطقی که در مراسم تشییع جنازه‌ی ماکسیم گورکی در میدان سرخ |
| ۹۳.....  | مسکو ایراد شد ۲۰ ژوئن ۱۹۳۶.....                              |
| ۹۹.....  | متن سخنرانی خطاب به دانشجویان مسکو ۲۷ ژوئن ۱۹۳۶.....         |
| ۱۰۴..... | متن سخنرانی خطاب به ادیبان لنینگراد ۳ ژوئن ۱۹۳۶.....         |
| ۱۰۸..... | مبارزه‌ی ضد مذهبی.....                                       |
| ۱۱۳..... | آستروفسکی.....                                               |
| ۱۱۶..... | یک کلخوز.....                                                |
| ۱۱۹..... | بولشهوو.....                                                 |
| ۱۲۱..... | بسپریرزونیها.....                                            |
| ۱۹۲..... | ضمائم.....                                                   |
| ۱۹۳..... | همراهان.....                                                 |
| ۲۰۷..... | از یک سفرنامه.....                                           |
| ۲۱۲..... | در بازگشت به پاریس.....                                      |
| ۲۱۳..... | نامه‌ها و شواهد.....                                         |
| ۲۱۳..... | به: آ. ژ. دبیرکل جمعیت دوستداران اتحاد جماهیر شوروی.....     |
| ۲۲۷..... | کوورویل - ۱۰ دسامبر ۱۹۳۶.....                                |
| ۲۲۹..... | پاریس - ۵ ژانویه ۱۹۳۷.....                                   |
| ۲۳۵..... | ۱۸ فوریه ۱۹۳۷.....                                           |
| ۲۳۸..... | ۲۹ ژانویه ۱۹۳۷.....                                          |
| ۲۴۴..... | اظهارات «کلیبر لوگی» (نماینده‌ی اعزامی پادوکانه).....        |

- ۲۴۴ ..... به نقل از روزنامه‌ی «تان-Temps» شماره‌ی ۲۰ دسامبر ۱۹۳۶ .....  
 ۲۴۶ ..... دکتر آ. دینه. لاتوردوپن (ایزر) .....  
 ۲۴۸ ..... منتخبی از اطلاعاتی که در اکتبر ۱۹۳۶ به دانشکده‌ی طب داده شده است .....  
 ۲۵۱ ..... پاریس-۲۹ نوامبر ۱۹۳۶ .....  
 ۲۵۷ ..... ۲ دسامبر ۱۹۳۶ .....  
 ۲۶۱ ..... ۵ نوامبر ۱۹۳۶ .....  
 ۲۶۳ ..... پاریس-۲۵ نوامبر ۱۹۳۶ .....

www.ketab.ir

## درباره‌ی «ژید» و ترجمه‌ی حاضر

راقم این سطور با این‌که به‌زبان ایتالیایی آشنا نیست، اما با یکی از مثل‌های آن زبان آشناست که می‌گوید: Traduttore traditore یعنی «مترجم خائن است.» و این مثل به‌خصوص در مورد کسی صادق است که قصد ترجمه‌ی اثری از آثار «ژید» را داشته باشد. حتی اگر آن ترجمه - مثل کتاب حاضر - یک سفرنامه‌ی عادی و از آثار ترجمه‌ی دوم او محسوب بشود. چون گرچه جنبه‌ی سیاسی کتاب حاضر بر جنبه‌های دیگرش می‌چربد، اما باز «ژید» نویسنده‌ی آن است و تمام مشخصات نثر او را از ایجاز و دقت بیان گرفته، تا سنگینی و روانی کلمات - از صمیمیت به حد کمال رسیده‌ی او در تعبیر عواطف بشردوستانه تا پرهیزی که از هرگونه قضاوت قطعی دارد - تمام این مشخصات را حتی در این سفرنامه هم می‌توان دید. با این‌همه «آندره ژید» را با کتاب حاضر نمی‌توان قضاوت کرد. در این کتاب فقط با یکی از وجوه مختلف روح او می‌توان آشنا شد. یعنی فقط با فراری که از تعصب - از هرگونه تعصب - و از خامی و «ارتدوکسی» دارد. چه به معنای عام این اصطلاح و چه به معنای مذهبی آن. چون به‌هر صورت آندره ژید در یک خانواده‌ی «پروتستان» به‌دنیا آمد. گرچه این کتاب - یعنی دو کتاب مجتمع در یک جلد - حاضر،

برگه‌ایست حاوی تجربیات و سرخوردگی‌های سیاسی او، ولی حتی برای شناختن کامل وضعی که «آندره ژید» در قبال سیاست و در قبال سلطه‌ی حکومتی بر مردمی به خود می‌گیرد، باید «سفر به کنگو» و «بازگشت از چاد» او را هم خواند. دو کتاب اخیر سفرنامه‌های اوست به مستعمره‌ی فرانسه «کنگو» و حاوی صحنه‌سازی‌ها و خونریزی‌ها و حق‌کشی‌های کمپانی‌های بزرگ فرانسوی در آن ناحیه از آفریقا. و اگر «آندره ژید» در این سفرنامه‌ی حاضر به کفر و ارتداد خویش نسبت به کمونیسم مسکویی اعتراف می‌کند در آن دو سفرنامه‌ی دیگر نشان داده است که به‌عنوان یک کمونیست منهای مسکو چگونه مدافع بشردوستی و مساوات است.

تا قبل از جنگ بین‌الملل دوم و به‌خصوص تا قبل از اعلام ارتداد «تروتسکی» و محاکمه‌ی «بوخارین» در شوروی، روشنفکران تمام اروپا همه جسم به‌سوی مشرق - به‌سوی مسکو - داشتند و همیشه خاطره‌ی انقلاب اکبر را در اجاق دل خویش روشن نگه می‌داشتند. در آن سال‌ها برای آنان که فقط از دور نگران اوضاع بودند و تنها برج و باروی زیبای خیال خویش را در آن حدود می‌پرستیدند، آن‌چه از انقلاب اکبر به بعد در روسیه‌ی شوروی گذشته بود محتوا آرزوهای دریده‌ای بود که گاه از زبان «سن سیمون» تعریف شده بود و گاه «روبرت آون» مدینه‌ی فاضله‌اش را که حکومتی بس مستعجل داشت بر آن الگو در انگلستان ریخته بود. روشنفکران اروپا همه شگفت‌زده از این‌که چرا انقلاب کارگری در انبوه خالی از سوزن‌انداز پرولتاریاری «روهر» و «آلزاس» و «ویلز» خانه نکرده - شاهد دوردور «اوتوپی» قرن بیستم در روسیه‌ی

انقلاب‌زده بودند و هرگز گمان نمی‌بردند که در چنان سرزمین یخبندانی آن‌چنان سراب فریبنده‌ای بتواند چنین سال‌های درازی هوش و دل آن‌ها را برباید. «آندره ژید» نیز یکی از این هوش و دل‌باخته‌ها بوده است و در پی همین دلباختگی تن به چنان سفری داده. سفر او به شوروی بنا به دعوت اتحادیه‌ی نویسندگان شوروی در تابستان ۱۹۳۶ اتفاق افتاده است. و این زمانی بوده که ژید در منتهای شهرت خویش به‌سر می‌برده و یک رساله‌ی تبلیغاتی به قلم او و به نفع کشور شوروی ارزش بیرون از حسابی می‌توانسته است داشته باشد. اما چنانکه می‌بینید به جای چنان رساله‌ای، این دو کتاب از آب درآمده. این دو کتاب بیشتر از این نظر ارزش دارد که حاوی اعترافات صریح اوست به فریبی که خورده بوده؛ به اشتباهی که کرده بود. در «بازگشت از شوروی» قلم ژید از حزن عمیق و بیرون از اندازه مایه گرفته است و حکایت از تأسفی می‌کند که بیننده-ی یک رؤیای شیرین در لحظات بی‌آری خویش دچارش می‌شود. انتقادهای ملایم و دوستانه، لحن کلام ترحمانگیز و استغاثه‌کننده است. یک کلمه‌ی زننده و کوچک‌ترین خشونت‌ی در سراسر کتاب نیست. اما در «تنقیح بازگشت از شوروی» لحن کلام عصبی است و حکایت از روحیه‌ی مریض می‌کند که در قبال ناسزاهای و اتهامات تاب و توان خود را فراموش کرده و در صدد دفاع برآمده است. شاید بتوان برای «بازگشت از شوروی» با آن‌که یک رساله‌ی سیاسی است، ارزش‌های فراوان ادبی نیز قائل شد. اما «تنقیح...» یک «کتاب سفید» است. لحن کتاب‌های سندی را دارد. مجموعه‌ی اسنادی است که ژید در آن زمان توانسته است در رد تبلیغات

طرفداران مسکو و در اثبات مدعیات انتقادآمیز خود از آن وضع جامعه بیاورد. ارزش سندی این کتاب دوم به خصوص در آن سال‌ها که هنوز کیسه‌ی آن حمام گرم به تن کمتر کسی خورده بود و کمتر کسی جرأت می‌کرد زبان به انتقاد آن بگشاید بسیار زیاد است. نمی‌دانم کجا خوانده‌ام که «استفن اسپندر» شاعر انگلیسی اولین بار با خواندن کتاب ژید بوده است که تخم شک و تردید را نسبت به شوروی در دل خود کاشته. شدت تأثیر همین دو کتاب کوچک را در بی‌ثمر ساختن تبلیغات طرفداران شوروی از شدت تکفیری باید دریافت که شوروی و مطبوعات و احزاب وابسته‌ی به آن در مورد ژید و آثارش صادر کرده‌اند. برای تمام احزاب کمونیست «ژید» مرتد بالفطره است و خواندن آثارش ممنوع. و به همین دلیل تمام کسانی که سری به سیاست گرم دارند چه با مسأله‌ی شوروی سروکار داشته باشند و چه نداشته باشند، بهتر است که این دو کتاب ژید را بخوانند. بحث در این نیست که بینیم به عقیده‌ی ژید در شوروی چه خبر است. چون این روزها به سبب کتاب‌های بهتر از هرکس می‌دانند که در شوروی چه می‌گذرد! بحث در این است که سیاست در قرن بیستم چگونه و از چه راه‌هایی می‌تواند حتی یک نویسنده‌ی بشردوست را از راه خویش منحرف کند و اگر قادر نیست او را غلام زرخرید خویش بسازد دست کم این را می‌تواند که مجال فکر و اندیشه را از او بگیرد و او را به کارهایی و ابدارده که اگر پیش نمی‌آمد چه بسا کارهای بهتری برای آن نویسنده در پیش بود! و شاید بزرگ‌ترین موجب ترجمه‌ی این دو کتاب نیز همین بوده است.

درست است که این دو کتاب در سال‌های ۷-۱۹۳۶ منتشر

شده است و حاکی از حقایقی است که در آن سال‌ها به چشم می‌آمده، ولی با مطالعه‌ی آثار دیگری در همین نوع-به قلم کسان دیگری مثل «کاسترو دلگادو»<sup>۱</sup> اسپانیایی یا «مانس اشپربر»<sup>۲</sup> آلمانی یا دیگران درمی‌یابیم که امروز دردها بسی عمیق‌تر و دواهرسازی‌ها بسی فریبنده‌تر از آن سال‌ها شده است. اعتراض یک تنه‌ای که ژید در آن زمان نسبت به محاکمات «بوخارین» و امثالش به عمل آورد اینروزها در محاکمات «مین تسن تی» کشیش مجار و «اسلانسکی» نخست‌وزیر سابق چک به صورت دسته‌جمعی و دنیایی درآمدہ است. در همین وطن ما چه سرهای پرشوری که در راه همین فریب نیفتاده است و چه خون‌های بی‌گناهی که نه بخند و چه جوان‌هایی که ذوق و شور و قدرت جوانی خود را در این راه به هدر نداده‌اند؛ و به این طریق چه سرمایه‌ی بزرگ انسانی که از دست ما نرفته است! تأسف بر این سرمایه‌ی از دست رفته و اندوه عمیق بر این فریب دیرپا، یکی دیگر از موجبات ترجمه‌ی این کتاب است. اگر دنیا دنیایی بود که فریفتگی را با مهربانی و غم‌خواری یک مادر می‌زدود حرفی نبود. اما این دنیای ما فریب را با زور معالجه می‌کند. و چه معالجه‌ی بدفرجامی! بر هر دو طرف سکه‌ی قلبی که نشانه‌ی زمانه‌ی ما است - اگر این سکه دوطرف داشته باشد - چیزی جز زور و فریب حک نشده است، و وائسفا بر انسانیتی که سرنوشت خویش را این‌چنین به دست زور و فریب سپرده باشد!

1 .Castro Delgado

2 .Mance Sprber

«آندره ژید» را باید با «مائده‌های زمینی» اش شناخت یا با «دخمه‌های واتیکان» یا «سکه‌ی قلب زندگان». از مجموعه‌ی آثار او که در حدود پنجاه کتاب و رساله است شاید این سه مهم‌ترین آثارش باشد. «مائده‌های زمینی» او شهر منثور است و از اوایل قرن بیست به این‌طرف کتاب دستی هر فرانسوی‌وستدار ادب گشته. «مائده‌ها...» از جمله‌ی آثار معدودی است که در زمان نویسنده یا سراینده‌اش جزو آثار «کلاسیک» درآمد و اگر زید هیچ اثر دیگری از خود باقی نمی‌گذاشت همین یک کتاب می‌توانست جاودانگی نام و مقام ادبی او را تأمین کند اما اگر قرار باشد در این مختصر نام دیگر آثار او هم ذکر شود باید یادی از «کوریدون» کرد که اعترافات بسیار خصوصی نویسنده است در مسائل بسیار خصوصی‌تر. و از «اگردانه نمیرد» که خاطرات کودکی اوست تا بدانیم در چه محیطی و با چه دقتی برای نویسندگی تربیت شده است. بعد از «تزه» که به‌صورت افسانه درآمدی همین سفرنامه‌ی شوروی است؛ و در آن از سرزمین شوروی به معبر مرموز و پیچ‌درپیچی تعبیرکرده است که مسافران به رؤیاها و سراب‌ها و مخدراتش دل‌خوش می‌کنند و از دست می‌روند «بهانه‌ها» و «بهانه‌های تازه» مجموعه مقالات مختلف اوست در مسائل مختلف ادبی و اجتماعی. و دقیق‌تر از این دو کتاب، «یادداشت»‌های روزانه اوست که مرتب نوشته شده. تا آن‌جا که راقم سطور مطلع است از مجموعه‌ی آثار ژید یکبار - (mmoralsite) او با عنوان نارسای «رذل» ترجمه شده است و بعد به - ترتیب «درتنک» و «پرومته» و دست آخر نیز ترجمه‌ی خلاصه‌ای از «سمفونی پاستورال» او. تصویری را نیز که ژید از

«اسکاروایلد» نوشته، دوست عزیزم آقای هوشنگ ایرانی در مقدمه‌ی «ناله‌هایی از زندان ریدینک» بسیار دقیق ترجمه کرده‌اند؛ و این همه با این که چیزی است، باز هم نمی‌تواند برای فارسی‌زبانان، معرف نویسنده‌ی بزرگ نیمه‌ی اول قرن بیستم فرانسه باشد که بهترین بیوگرافی‌ها را برای «داستایوسکی» نوشته و بهترین ترجمه‌ی فرانسه «هملت» از اوست و جایزه‌ی نوبل را برای ادبیات در سال ۱۹۴۷ برده و مهم‌تر از همه در تأسیس و اداره‌ی مجله‌ی ادبی بزرگ N.R.F. در میانه‌ی دو جنگ عالمگیر یکی از پیشوایان ادبی روز و یکی از تشویق‌کنندگان نهضت جدید ادبی به شمار می‌رفته؛ و به عنوان مثال نسخه‌ی اولیه‌ی آثار «مارسل پروست» را دیده و نپسندیده! ژید ذوق به خصوصی دارد که از طرفی با پاکی و طهارت مذهبی و از طرف دیگر با شگفتی افسانه‌های اساطیر کهن یونان و از طرف دیگر با بی‌بندوباری قرن بیستم آمیخته است. در «سمفونی پاستورال» نمونه‌های ذوق مذهبی او را بارزتر از همه جا می‌توان دید. گذشته از این که روانی کلام او به خصوص در آثار اصلی و درجه‌ی اولش زنگ کلام تورات و انجیل را به خاطر می‌انگیزد.

در «پرومته‌ی سست زنجیر شده» و «تزه» و «دیپ» ذوق به خصوصی را که نسبت به اساطیر کهن دارد و حیات تازه‌ای را که به این صفحات فراموش شده‌ی افسانه‌های باستانی یونان داده است باید خواند. اسامی اشخاصی که در «مأنده‌های زمینی» مورد بحث‌اند و قصیده‌ای و یا غزلی می‌سرایند همه از «ویرژیل» و «هومر» اقتباس شده است. و اگر چند ورق بزنید - در آغاز همین ترجمه - ژید کتاب خود را با نقل یکی از اساطیر یونان مشروع کرده است و در دو سه جای دیگر کتاب

نیز جای پایی از اساطیر خواهید دید. اما بی‌بندوباری قرن بیستمی او را در «مأئده‌های زمینی» و «کوریدون» و «ایمورالیسم» باید خواند؛ که نه به آداب و رسوم پابند است و نه به اخلاق؛ و به دنبال خویش به هرکجا سر می‌کشد. و با این وجود در سال ۱۹۴۷ «جایزه‌ی نوبل در ادبیات به آقای آندره ژید به‌خاطر اهمیت و ارزش هنری آثار او که در آن‌ها مشکلات بشری با عشقی سرشار به حقیقت و با مهارت عجیبی در روانشناسی طرح شده است اهدا می‌شود».

در آثار بدیع تضاد درونی وجود دارد. ذوقی که به تجدد دارد روح استلال‌جویی او و رفتار فردیش او را از راهی که دیگران پیموده‌اند به‌دور می‌دارد. در مسائل جزئی از آن‌چه که قبلاً مورد آزمایش دیگران واقع شده است می‌گریزد. و عقیده‌ی صریح خویش را در این باب در «مأئده‌های زمینی» این‌طور تصریح می‌کند: «آن‌چه را که دیگری به‌خوبی تو به جا می‌آورد، مکن. آن‌چه را که دیگری به‌خوبی تو می‌گوید، مگو. و آن‌چه را که به‌خوبی تو می‌نویسد، م‌نویس.» همیشه به‌سوی اصالت متوجه است. اما همیشه در کناره‌ی عظمت آثار قدما (کلاسیک) با اعجابی حاکی از تجارب زیبایی‌شناسی به تحیر می‌ایستد. ژید تجددطلب است. تازه‌جو است. ولی انقلابی نیست. و ذوقش که راهنمای مطمئن و اشتباه‌ناپذیر اوست - او را دم‌به‌دم به آثار گذشته متوجه می‌سازد. ولی هر نوع از ادبیات کلاسیک را که می‌آزماید، نشانه‌ی انگشت خویش را بر آن می‌گذارد.<sup>۱</sup>

ژید در سال ۱۸۶۹ به دنیا آمده است و در ۱۹ فوریه ۱۹۵۱

بدروود حیات گفته. اولین کتاب خود را که گویا «دفترهای آندره والتر» به شعر باشد در ۱۸۹۱- یعنی در بیست سالگی- منتشر کرد. شصت سال تمام نویسندگی کار کوچکی نیست. و الحق که ژید اثر بزرگی از این حرفه‌ی شصت ساله‌ی خویش به جا گذاشته است. اغلب نویسندگان معاصر فرانسه تأثیر کار او را در آثار خود پدید می‌فشانند. او به هر صورت از نویسندگان معدودی است که در دوره‌ی حیات خویش منتهای قدر و ارزش ادبی خود را به چشم دیده. از آثار او فیلم‌ها برداشته‌اند و بارها در صحنه‌ی تماشاخانه‌ها آن‌ها را بازی کرده‌اند. «دخمه‌های واتیکان» او را «تئاتر فرانسه» روی صحنه آورد. «هملت» شکسپیر را- در ترجمه- ی او- ژان لویی بارو در پاریس بازی کرد. و فیلم «سمفونی پاستورال»، او را حتی در تهران هم نمایش دادند. آخرین اثری که از ژید باقی مانده است «برگه‌های حزان» است که یادداشت‌های روزانه‌ی آخرین سال‌های عمر اوست.

اما درباره‌ی این ترجمه. در حقیقت در این جلد، ترجمه‌ی دو کتاب ژید را ملاحظه می‌کنید. اولی از روی چاپ دویست و سی و یکم فرانسه‌ی آن و دیگری از روی چاپ شصت و هشتم آن؛ که هر کدام جداگانه و به فاصله‌ی زمانی تقریباً یکسال (۷-۱۹۳۶) در پاریس به وسیله‌ی کتابفروشی گالیمارد<sup>۲</sup> منتشر شده است؛ و چون ارتباط بسیار زیادی با هم داشت و هر دو در موضوع واحدی تحریر یافته بود یکجا به انتشار گذاشته شد.

---

1 Jean-Louis Barrault

2 .Gallimard

باید اذعان کنم که این دو کتاب به تشویق دوست عزیزم آقای خلیل ملکی ترجمه شد. در حدود نیمی از آن در زمستان سال ۱۳۳۱ و بهار سال بعد، در روزنامه‌ی «نیروی سوم» به صورت پاورقی درآمد و جداگانه هم چاپ شد؛ و بعد که به علت اغتشاشات سیاسی روزنامه بسته شد و اوراق چاپ شده‌ی کتاب به همین صحاف از خطر غارت محفوظ ماند، کار چاپ آن باز به تشویق همین دوست دنباله یافت. به جاست که در این خلاصه از زحماتی که دوست عزیز دیگرم، آقای عیسی اسماعیل زاده در ادامه‌ی کار این ترجمه به عمل آوردند، تشکر کنم...

نیز باید اذعان کنم که در ترجمه‌ی حاضر به خصوص در نیمه‌ی اول آن که در روزنامه چاپ شده است تعجیلی به کار رفته که اصولاً با یک کار ادبی منافات دارد... بسیار راضی‌تر می‌بودم اگر به جای این کتاب «سکه‌ی قلب‌زنندگان» ژید را ترجمه می‌کردم و یا ترجمه‌ی نیمه تمام «مائده‌های زمینی» او را تمام می‌کردم. گرچه برای ترجمه‌ی اثر بزرگ اخیر، جسارتی بسیار بیشتر از آن‌چه که فعلاً در خود می‌بینم لازم داشتم. و گرچه آرزوی بسیار دوردستی است اما امیدوارم روزی این جسارت را نیز در خویشتن بیابم.

ج. آ.

به یادبود «اوژن دابی»

این صفحات را که انعکاسی است از آن‌چه پس از او، ولی با او اندیشیده‌ام و در آن زیسته‌ام تقدیم می‌کنم.